مصدق

توللی، فریدون

در جریان تیرماه سال 1331 خورشیدی،شاه سابق،با آنکه علیرغم‏ میل باطنی خود،گردن به نخست وزیری(مصدق)نهاده بود،مانع‏ مداخلهء وی در وزارت جنگ گردید و در نتیجه آن رهبر عالیقدر و ملی- کنندهء صنعت نفت،به خشم آمد و دست از کار درکشید و بخانه نشست.

شاه سابق،بیدرنگ،فرمان نخست وزیری(قوام السلطنه)را صادر کرد و بر جای وی نشانید.

با اینهمه،هنوز،روزی چند از صدارت قوام و الدرم بلدرم او نگذشته بود،که ملت غیور ایران،جوشیدن گرفت و از مصاف‏ خونین تانک‏ها و مسلسل‏های ملوکانه به سربلندی و پیروزی برآمد و خانهء قوام را به آتش نفرت و کین سپرد و با دادن آنهمه زخمی و شهید،دیگر بار مصدق محبوب خود را بر کرسی نخستین استوار کرد و(وزارت جنگ) را نیز،به اختیار وی نهاد و آن خود انقلاب سی تیر بود.

\*\*\*

تا به تاریخ بشر،دست امان خواهد بود نام والای مصدق به جهان خواهد بود جان فدای سخنش باد،که تا دامن حشر درس بیداری ابناء زمان خواهد بود مشت کوبنده،نشان داد به کوبندهء خلق: که به فرجام سخن،مشت گران خواهد بود بانگ ناقوس وی،از وحشت ایران خموش‏ نهضتی ساخت،که جوشان و دمان خواهد بود آفرین بر تو و بر عزم تو ای پیر مراد که چراغ ره هر پیر و جوان خواهد بود دام‏ها بود به هر گام تو،از سرخ و سیاه‏ خوش سپردی ره و این رفته،روان خواهد بود.